



## پلاتفرمی برای دموکراسی در ایران

(مصوب کنفرانس هشتم کومه له، تیرماه ۱۳۸۲، ژوئیه ۲۰۰۳)

رژیم جمهوری اسلامی ایران که ولایت فقیه در راس آن قرار دارد، بیش از پیش اعتبار و مشروعیت خود را از دست داده است. نه تنها در ذهنیت روشنفکران و نخبگان در داخل بلکه در میان اقشار وسیعی از مردم نیز ایدئولوژی اسلام سیاسی در عرصه نظری و سیاسی در مقابل ارزش های عام سکولاریسم و دموکراسی خواهی رنگ باخته و شکست های سختی را متحمل شده است. "مردم سالاری دینی"، به مثابه تلاش برای ارائه یک روایت جدید از حاکمیت دینی در مقابل بنیادگرایی طالبان گونه طرفداران سرسخت ولایت فقیه، به عنوان زمینه نظری جنبش سیاسی دوم خرداد طرح و عرضه شد، اما تعمیق جنبش دموکراسی این روایت نیم بند را نیز از رونق انداخته و نفوذ آن را در جامعه و حتی بر جنبش دانشجویی به عنوان حامی و حامل آن سخت کاهش داده است.

استبداد مذهبی ولایت فقیه، ناتوان و بی ابتکار و زمین گیر، در مقابل بادهای تغییر و اعتراض قرار گرفته است. خواست تغییر نظام سیاسی در ایران هر روز با شعارهای صریح تری در خود ایران مطرح می شود و بحث تعویض و جانشینی رژیم جمهوری اسلامی از انحصار نخبگان سیاسی و یا نیروهای اپوزیسیون سرنگونی خواه خارج شده در دستور کار جنبش اعتراضی مردم قرار می گیرد. فشار مبارزات داخلی، نارضایتی شدید مردم و از دست رفتن مشروعیت نظام در چشمان اکثریت قاطع مردم ایران، موقعیت ضعیف رژیم در عرصه بین المللی و منطقه ای، بخشاً در نتیجه سرنگونی رژیم دیکتاتوری صدام حسین در عراق و حضور قوای آمریکا و بریتانیا در این کشور، هیئت حاکمه ایران را بیش از پیش تضعیف و دچار تفرقه و چند دستگی کرده و فضای مانور سیاسی را برای وی تنگ تر کرده است. در چنین شرایطی نه تنها مردم بلکه بخش هایی از حاکمیت نیز اعتماد و باور خود را به امکان ادامه وضع موجود از دست داده اند.

با وجود همه این ها به دلایل گوناگون نه از لحاظ نظری و نه به مفهوم سیاسی آن، جنبش اعتراضی مردم خود را در مطالبات روشن بیان نکرده است و هنوز نتوانسته است از دایره مفاهیم کلی مربوط به دموکراسی و یا یک جمهوری غیر مذهبی فراتر رود.

برای مردم و بخصوص نسلی که هنوز خاطره تلخ مصادره قیام ضد سلطنتی اش را بیاد دارد، این سوال اساسی که بعد از سرنگونی رژیم و تغییر ساختار سیاسی چه حکومتی بر سرکار خواهد آمد و تکلیف مطالبات اساسی اش در مورد آزادی های سیاسی و اجتماعی و ضمانت اجرائی آن چه خواهد شد، جایگاه بسیار مهمی دارد.

در جنبش مردم ایران علیه استبداد سلطنتی همه چیز با سرعتی حیرت آور پیش می رفت و با خوش بینی مفرط تا حد لاقیدی همه چیز به بعداز سرنگونی و برچیده شدن بساط سلطنت واگذار می شد. درعوض، جنبش کنونی علیه استبداد ولایت فقیه با گام های احتیاط آمیز و برای ترسیم هرچه شفاف تر آینده راه خود را به پیش ادامه می دهد.

با وجود این که هر کدام از احزاب سیاسی و گرایشهای مختلف در جامعه به دنبال متحقق کردن برنامه مورد نظر خود هستند، قاعدتاً یک نکته باید برای همه روشن و بدیهی باشد و آن این که

مساله اساسی مبارزه عمومی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی کسب آزادی های سیاسی\_ اجتماعی و به کف آوردن دموکراسی می باشد.

با توجه به اوضاع سیاسی و ناپاوری عمومی به ادامه وضعیت موجود، همچنین با توجه به این که سرنوشت مردم را نه قدرت های خارجی بلکه اراده و مبارزه خود آن ها باید رقم زند و آزادی واقعی مردم ایران در گرو جنبش مستقل و آگاه توده ها می باشد، گردآمدن بیشترین نیروهای خواستار آزادی واقعی و دموکراسی حول یک پلاتفرم که خواست آزادیهای سیاسی را به صورت اصول و مطالبات روشن در آورد و بتواند به مثابه یک قطب نیرومند و پرنفوذ دموکراتیک، مستقل، مردمی و پیشرو خود را در جامعه مطرح و عرضه نماید و از هم اکنون بر شکل گیری جانشین سیاسی نظام کنونی و چگونگی و مضمون آن تأثیرگذار باشد، ضرورتی حیاتی دارد.

به اعتقاد ما چنین پلاتفرمی باید شامل اصول زیر باشد:

۱\_ جدائی دین از دولت. خاتمه دادن به تسلط و اعمال نفوذ دستگاه مذهب بر نهادهای قضایی، قانون گذاری و آموزش و پرورش. تضمین این اصل در قانون اساسی ایران. قوانین کشور نباید به چیزی غیر از اراده و خواست آگاهانه مردم که به شیوه ای کاملاً دموکراتیک متحقق می شود، متکی شود.

مذهب امر کاملاً خصوصی شهروندان تلقی می شود، دولت در قبال مذاهب گوناگون بی طرف خواهد بود و هیچیک از مذاهب به عنوان مذهب رسمی و دولتی شناخته نخواهد شد. مؤسسات مذهبی از طریق کمک های داوطلبانه پیروان آن اداره خواهند شد. آزادی مذاهب گوناگون و آزادی نداشتن هیچیک از مذاهب.

سلسله مراتب روحانیت حاکم که با سیستم مالیات و امکانات و منابع مخصوص به خود در تمام طول تاریخ معاصر قبل از جمهوری اسلامی نقش دولت در دولت را در جامعه ایران بازی کرده و بیش از دو دهه و نیم است که مستقیماً و به نام خدا و اسلام قدرت سیاسی را در انحصار خود درآورده است، باید مشمول تغییرات جدی در کارکرد اجتماعی اش شود. روحانیت باید از حالت یک قشر ممتاز و مافوق قانون در جامعه که مصون از نظارت و غیر قابل انتقاد بوده به در آمده و به سلک شهروندان عادی در آیند که مسول اعمال خود بوده و از قوانین کشور تبعیت خواهند کرد. مؤسسات مذهبی مانند هر موسسه دیگری در جامعه باید تحت نظارت و کنترل عمومی بوده و کارکنان آن از جمله روحانیون از سیستم تعیین حقوق و مزایا و دستمزدهای کشور تبعیت نموده، مالیات پرداخت نمایند و مورد حسابرسی و نظارت عمومی قرار داشته باشند.

۲\_ آزادی زنان و برابری کامل حقوق آن ها در عرصه های تحصیل، اشتغال، ارث و سایر حقوق اجتماعی و خانوادگی و فردی. الغای همه قوانین و مقرراتی که متضمن تبعیض و بی حقوقی زنان می باشد و تدوین قوانینی که ضامن از بین بردن هرگونه تبعیض و تحقیر علیه زنان باشد. حذف همه گونه مطالبی از دروس آموزشی که به نحوی از انحا به پیشداوری علیه زنان و یا تشویق مردسالاری در جامعه و پدرسالاری در خانواده منجر می شود. منع هرگونه دخالت دولت در پوشش زنان و مردان. بطور کلی دولت نباید به هیچ نحوی در مقام "حافظ اخلاقیات" ظاهر شود.

۳\_ آزادی بیحصر و استثنای اندیشه و بیان، آزادی عقیده و ابراز آن چه بصورت شفاهی و یا کتبی، آزادی قلم و آزادی مطبوعات.

۴\_ آزادی احزاب و تشکل های سیاسی، فرهنگی و صنفی، آزادی اجتماعات، آزادی کامل تشکیل احزاب و یا تشکل ها و سازمان های صنفی از قبیل اتحادیه های کارگری، تشکل های زنان، معلمان، دانشجویان و ... ایجاد چنین تشکل ها و مؤسسات مردمی و دموکراتیک که مستقل از دولت بوده و مجبور به کسب مجوز برای فعالیت نبوده بلکه تنها در یک پروسه ساده اداری موجودیت خود را رسماً به ثبت می رسانند یکی از پایه های مهم استقرار دموکراسی در جامعه بوده و باید مورد تشویق قرار گیرد.

۵\_ برقراری حقوق کامل شهروندی و آزادی های فردی و اجتماعی گسترده برطبق معیارهای پیشرفته امروزی، هر حاکمیتی در ایران باید ناشی از انتخاب مردم ایران، شفاف، پاسخگو در مقابل

مردم و قابل تعویض از سوی آنان باشد. اصلاح ریشه ای نظام قضایی و تبدیل آن به یک نظام دموکراتیک، شفاف و مستقل برطبق پیشرفته ترین معیارهای کنونی. دسترسی برابر به آموزش، اشتغال و مناصب عمومی و همچنین دسترسی به اطلاعات یکی از حقوق اساسی مردم می باشد.

۶\_ تامین وسیع ترین دموکراسی که در آن اصل بر انتخابی بودن کلیه رهبران سیاسی و مدیرانی باشد که حوزه های عمومی زندگی شهروندان را مانند شهرداری ها و ... را اداره می کنند. افزایش و تفویض اختیارات به ارگان های منتخب محلی.

۷\_ لغو مجازات اعدام، منع هرگونه شکنجه و اذیت و آزار زندانیان چه به منظور گرفتن اعتراف و کسب اطلاعات و چه به منظور وادار کردن شخص به قبول و یا رد عقیده ای. دستگاه پلیس و زندان ها باید زیر نظارت ارگان های انتخابی مردمی بوده و مطبوعات و رسانه های همگانی بتوانند به آسانی به آن دسترسی داشته باشند.

۸\_ با توجه به پیشینه و مختصات تاریخی، جغرافیائی و فرهنگی مردم ساکن ایران و کثیرالمثله بودن ایران، رفع ستم ملی از خلق های ساکن کشور و همه گروه های قومی در ایران، یکی از پایه های اصلی استقرار دموکراسی در ایران می باشد. مناسبترین شیوه اداره حکومت در ایران، اداره غیرمتمرکز بر اساس سیستم فدرالی می باشد. از این طریق حق حاکمیت همه خلقها را در کشور بر امور داخلی سرزمین تاریخی شان به رسمیت شناخته شده، مشارکت این خلقها در اداره دولت مرکزی تضمین شده و مفهوم نوین و دموکراتیک شهروند ایرانی که بر اساس اتحاد آزادانه و برادرانه همه ملیتها در ایران حاصل شده است، متحقق خواهد گردید.

کنفرانس هشتم کومه له بر این باور است که در نتیجه یک استبداد خشن مذهبی که بیش از دو دهه است بر مردم ایران ستم روا داشته و در آن حتی تفسیر متفاوت و آزادانه از احکام مذهبی توسط معتقدان به مذهب رسمی کشور نیز با چوب تکفیر، زندان و شکنجه پاسخ گرفته است، بسیاری از مردم و از جمله بسیاری از پیروان خود مذهب رسمی را نیز به این نتیجه رهنمون کرده که جدایی دین و دولت به نفع آنان نیز هست. به همین دلیل ما بر این باوریم که ایران که زمانی الهام بخش بنیادگرایی اسلامی در منطقه شد، همانطور نیز با کوله باری از تجربه که به قیمت رنج و شدائد بسیار و قربانی های فاجعه بار انسانی و مادی و معنوی حاصل آمده است، می تواند رسالت پیشاهنگی یک جنبش سکولار و مدنی و دموکراتیک را به معنای واقعی خود در خاورمیانه و کشورهای مسلمان نشین بر عهده گیرد.

در همین راستا کنفرانس هشتم کومه له ضمن تاکید مجدد بر ضرورت برچیدن کامل نظام جمهوری اسلامی، با شعار "اتحاد برای دموکراسی، علیه استبداد مذهبی" خواستار یکی کردن تلاشها و نهایتاً شکل گرفتن یک ائتلاف یا جبهه مترقی و دموکراتیک در ایران می باشد و از همه احزاب و شخصیت های مبارز و آزادیخواه دعوت می کند که تلاشهای خود را در این راستا افزایش دهند. کومه له آمادگی خود را برای مشارکت در این تلاشها از جمله برگزاری نشستها و کنفرانسهایی که به منظور تبادل نظر و تدارک چنین ائتلاف یا جبهه ای است اعلام می کند.

---

[www.komala.org](http://www.komala.org)

Email: [Komala1348@hotmail.com](mailto:Komala1348@hotmail.com)

Komala Office in Sulaimania:

Tel: (0044704)3124711

Mobile: 00447077537465